

نگرش تحلیلی به بخشی از دیوارنگاره های عصر صفوی در اصفهان

احمد تندی*

ابنیه باقیمانده از دوران صفویان در اصفهان، بی شک دارای معتبرترین و نفیس ترین مجموعه نقاشیهای دیواری است. این بناها با اینکه طی قرون گذشته در معرض هجوم و بی توجهی قرار گرفته اند و صدمات و خرابیهای بسیاری را تحمل کرده اند، هنوز مهمترین اسناد مصور تاریخی آن دوران، یعنی نقاشیهای دیواری را در خود محفوظ نگاه داشته اند. این دیوارنگاره ها که جزء مهمترین عناصر تزئینی بناهای دوره صفویه اصفهان هستند صحنه ها و موضوعات مختلفی را از وضعیت و چگونگی بخشهایی از تاریخ سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و هنری زمان خود نشان می دهند.

از مهمترین و مشخصترین موضوعاتی که در این دیوارنگاره ها بوفور دیده می شود، صحنه های بزم و میگساری است؛ به طوری که در اغلب این صحنه ها، افراد در حال نوشیدن می و تماشای رقص و گوش سپردن به ساز و آواز نوازندگان هستند.

شاخصترین دیوارنگاره هایی که حاوی نوع صحنه های بزم است، مجالس پذیرایی شاهان صفوی از پناهندگان به دربار خویش است که بر دیوارهای تالار شاه نشین کاخ چهلستون اصفهان نقش بسته اند.^(۱) این نوع مجلس آرایبی و صحنه های بزم که در دیوارنگاره ها به تصویر کشیده شده است، تبلوری از نوع زندگی شاهان و بزرگان دربار صفوی است و مطالب مربوط به زندگی شاهان و دیگر بزرگان دربار صفوی، در متون تاریخی، وجود این صحنه ها را اثبات می کند. چنانکه دن گارسیا دو سیلوافیگوئروا (سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول) نوشته است: همه ولایات و

* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد گروه باستان شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

۱- این مجالس که در ابعاد بزرگ، بر سطوح شرقی و غربی تالار نقش بسته اند، عبارتند از: مجلس پذیرایی شاه عباس اول از ولی محمدخان ازبک، مجلس پذیرایی شاه تهماسب از همایون شاه هند؛ مجلس معروف به

حکام ایران به تقلید از شاه زندگی می‌کنند و به غیر از مدتی که به ناچار در جنگها به سر می‌برند، بقیهٔ ایام به عیش و نوش مشغولند. هر روز از صبح تا شام بساط میخوارگی پهن است.^(۱)

صحنه‌های بزم، محدود به دیوارنگاره‌های ایرانی نمی‌شود، بلکه این چنین صحنه‌هایی را نقاشان فرنگی که در اصفهان به نقاشی مشغول بوده‌اند نیز بر سطح دیوارها تصویر می‌کردند که نمونهٔ بارز آن، نقوش جبههٔ شرقی سر در قیصریه است. در این دیوارنگاره که نقاشان اروپایی آن را ترسیم کرده‌اند، افراد اعم از زن و مرد، جام باده به دست، مشغول عیش و نوش و باده‌گساری و نوازندگی هستند.

علاوه بر این، موضوع اصلی بسیاری از دیوارنگاره‌هایی که از میان رفته‌اند نیز، صحنه‌های میگساری بوده است؛ چنانکه پیترو دل‌واله، در توصیف نقاشیهای کاخ عالی قاپو چنین نوشته است

... در جای جای سطح دیوار اتاقها، طاقچه‌هایی وجود دارد که در آنها تصاویری چند نقاشی شده است... تمام این اشکال تصاویری است از مردان و زنان در حال شرب خمر، جام باده به دست، بعضی مست و بیهوش، دیگران در حال افتادن از مستی و سرخوش از باده... در میان این تصاویر که همگی لباس محلی به تن دارند، تعدادی تصاویر وجود دارد که کلاه بر سر دارند. اینها به اصطلاح مسیحیانی هستند که به آنها فرنگی می‌گویند و من تصور می‌کنم که تصویر آنها را به این سبب کشیده‌اند که بگویند: تنها آنها نیستند که به میخوارگی می‌پردازند.^(۲)

اگرچه این صحنه‌ها - که بیشترین بخش دیوارنگاره‌های تصویری را به خود اختصاص داده است - در ظاهر جنبه تزئینی داشته‌اند، ولی اندکی تعمق در آنها نشان می‌دهد که کاربرد موضوع میگساری در نقاشیهای دیواری اصفهان، بازتاب علاقهٔ شدید شاهان صفوی به میگساری بوده است و مطالب تاریخی در این زمینه، تفسیر

۱- گلریز، محمد علی؛ مینودر یا باب‌الجنه قزوین؛ انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۷، ص ۲۰۱.

۲- اندره‌گذار، آثار ایران؛ ترجمهٔ سیدالحسن سروقدمندم؛ جلد چهارم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس

روشنی از موضوع این دیوارنگاره‌ها ارائه می‌دهند.

از عیبهای بزرگ صفویان، شرابخواری اکثر آنان، حتی آنهایی است که شراب را در قسمتی از مدت فرامانروایی خود منع کرده بودند. اگرچه شاه تهماسب صفوی در نهمین سال سلطنت خود (۹۳۹ هـ.ق) دستور منع شرابخواری و دیگر مناهمی را صادر می‌کند، ولی بعد از وی شرابخواری آزاد می‌شود و بویژه در دوران شاه عباس اول، شرابخانه‌ها رونق می‌یابد و شاه عباس اول فقط برای هشت ماه نوشیدن شراب را منع می‌کند که پس از آن مدت، شرابخواری همچنان با قوت رواج می‌یابد. جانشینان شاه عباس اول، در این راه گامها را فراختر بر می‌داشتند، نواده او شاه صفی چون مست می‌شد درنده‌خویی خطرناک و آدم‌کشی بی‌باک می‌شد.

شاه عباس دوم اگرچه در آغاز سلطنت منع شراب کرد، اما خود زودتر از همه توبه شکست و در شرب مدام افتاد؛ به طوری که: «اگر از صبح تا رواح و از عیوق تا صبوح بی فاصله مدام به شرب راح قیام نمایند، چهره سکر از مرآت جهان نمای و جنات مبارکشان مرئی نمی‌شود»^(۱) شاه سلیمان، نیز هر چه بر سنش افزوده می‌شد به نوشیدن می‌آزمندتر می‌گشت و شاه سلطان حسین، با آنکه دم از زهد و مسلمانی می‌زد، نتوانست از نوشیدن دست بکشد. او در آغاز کار، از مسکرات پرهیز داشت، لیکن بزودی وسوسه ندیمان و اهل حرم در او در گرفت و چنان آلوده عیش و مستی شد که از مقتضیات امور چشم پوشید و عنان کارها را به دست ندیمان و خواجه سرایان داد.^(۲) میل به شرابخواری مخصوص شاهان صفوی نبوده، بلکه دیگر بزرگان حکومتی صفویه نیز بدین کار مبادرت می‌کردند و عمل آنان به قدری چشمگیر بوده که جهانگردان و سفیران اروپایی در نوشته‌های خود - با قدری اغراق - به این عمل آنها اشاره کرده‌اند؛ چنانکه سفیر اسپانیا در ایران می‌نویسد: «بزرگان به قدری به میخواری معتادند که به غیر از چند ساعت صبح که به کارهای عمومی مملکت می‌رسند، باقی ایام

۱- وحید قزوینی، محمد طاهر؛ عباسنامه؛ تصحیح ابراهیم دهگان؛ کتابفروشی داودی، اراک ۱۳۲۹، ص ۱۰۳.

۲- نسیم الله، تاریخ ادبیات در ایران؛ جلد پنجم، بخش یک، چاپ دوم، بی تا، بی جا ۱۳۶۳، ص ۱۰۳.

را تا نیمه شب مشغول عیش و نوشند.^(۱)

توماس هربرت، نیز در سفرنامه خود می‌نویسد:

«میان ایرانیان و ترکان (عثمانی) تفاوت بسیار است. از آن جمله در میگساری، چه ترکان به تبعیت از اوامر و نواهی دین در ظاهر از استعمال مسکرات اجتناب می‌ورزند اما پنهانی می‌نوشند و حال آنکه ایرانیان کنونی مثل ایرانیان ادوار باستان آشکارا و به افراط میگساری می‌کنند.»^(۲)

با توجه به این مطالب، نقاشیهای دیواری اصفهان، با موضوع میگساری، شاهد بسیار روشنی است بر علاقه فراوان صفویان به نوشیدن شراب و اینکه این عمل در دربار آنها رواج داشته و امری طبیعی بوده است، به طوری که جهت آشکار نمودن هر چه بیشتر این عمل خود برای دیگران، صحنه‌های میگساری را بر سطوح ابنتیه خود نقاشی کرده و به تصویر کشیده‌اند.

البته بعضی از محققین در مورد این دسته از دیواره نگاره‌ها نظر دیگری داشته‌اند؛ چنانکه جابری انصاری درباره صحنه‌های بزم و میگساری در مجالس تاریخی کاخ چهلستون اصفهان، می‌نویسد:

«ظنی قوی است و هم گمان می‌برم، نقش بزم باده گساری صفویه نیز به امر نادر پیوست بوده. خصوصاً مجلس شاه تهماسب که یقینی است باده نبوده و سالها بوده همه را از میگساری توبه داده و خود لب نیالوده.»^(۳)

در پایان باید گفت: گرچه پیام اصلی این دسته از نقوش دیواری دوره صفویه در اصفهان ارائه تصویری از زندگی شاهان و بزرگان حکومت صفویه است، ولی این احتمال نیز وجود دارد که صفویان بدین وسیله خواسته‌اند آسایش، امنیت، قدرت و تسلط خود را بر امور جاری مملکت، با زبانی سمبلیک بیان کنند و به دیگران ارائه دهند.

۱- گلریز، محمد علی؛ همان‌جا، ص ۲۰۱.

۲- طاهری، ابوالقاسم؛ تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس؛ انتشارات کتابهای جیبی، ۱۳۴۹، ص ۳۲۷.

۳- جابری انصاری؛ تاریخ اصفهان و ری و همه جهان؛ ناشر حسین عمادزاده مسئول روزنامه و مجله خرد،

بی جا ۱۳۲۱، ص ۹۷۱ و ۳۱۳.